جلسه 46 88-87

# مکاسب محرمه / تنجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

# تنجيم

در بحث تنجيم و ستاره شناسي و اطلاع بر احوال سماويه عرض كرديم كه موضوعي است كه در كلمات فقهاء و در روايات از همان ابتدا مطرح بوده است و معمولا فقهاء كه وارد بحث تنجيم شدند با يك بسط و تفصيلي وارد موضوع شدند در همين مكاسب محرمه تطفيف را به يك صفحه دو صفحه رد شده است در حالي كه تنجيم شايد بيست صفحه باشد و مفصل هم مرحوم شيخ وارد شده به انواع و اقسام و عقائدي كه در اين بحث بوده و فقهاء ديگر هم با يك تفصيل و اهتمام ويژه اي به اين پرداختند شايد رازش اين است كه علاوه بر اين كه روايات در اين باب متعدد است ولي اصل قصه تعدد روايات و بسط كلام فقهاء در اين زمينه ناشي از ذوابعاد بودن اين مسأله و ابتلاء به اين مسأله است.

## علم نجوم

### الف. بعد فلسفی نجوم

ذو ابعاد بودنش به اين است كه بحث نجوم در فلسفه و طبيعيات مطرح بوده به عنوان يك علم و دانش چند جانبه، از طرفي در فلسفه مطرح بوده در نفوس فلكيه و اعتقاداتي كه در باب افلاك بوده است از طبيعيون و ملحدان كه گاهي قائل به اين بودند كه خود اينها خالقند يا در علت مبقيه هستند تا آنهاييكه احياناً ملحد هم نيستند ولي به هرحال قائل به نفوس فلكيه بودند مي گفتند افلاك داراي نفس مجرد هستند و احياناً گاهي قائل به قدمت اينها بودند البته قدمت آيا موجب كفر است يا نيست؟ بحث شده است كه علي القاعده قدمت زماني موجب كفر نيست ولو اگر كسي هم بگويد باطل است.

مبحث نجوم از نظر علمي در طبيعيات از قديم جايگاه داشته است و از طرف ديگر در فلسفه چه فلسفه هاي الحادي قديم، چه فلسفه هاي توحيدي در طول تاريخ به بحث افلاك توجه داشتند و قائل به نفوس فلكيه بودند كه البته در دوره هاي متأخر فلسفه ما كسي به اين حرفها اعتقادي به اينها ندارند مثل علامه و.. و خود اين نفوس فلكيه و تأثير اينها در اين كره و احياناً قول به قدمتشان يا بالاتر نفس داشتن اينها، تفويض امرشدن به اينها و.. وجود داشته كه بعضي كفر است و الحاد است و بعضي درست نيست ولو اين كه كفر نباشد يا حداقل ادله متقني ندارد.

### ب. بعد اجتماعی نجوم

اين موضوع غير از علمي طبيعياتش و فلسفي اش يك بعد اجتماعي و سياسي داشته است يعني فرهنگ مردم از اين بحث نجوم و.. استفاده مي شده براي پيش گويي و غيب گويي ها و تاحدي هم در فرهنگ عامه مردم نفوذ داشته است تا حدي كه در دربارها يك ديوان خاصي براي اين موضوع بوده و اشخاصي و خواب گزاراني هم بودند.

از طرف ديگر اين ناسازگاري كه در اينجا پيدا مي شود كه از يك طرف آدم خيلي بعيد مي داند كه توجه به افلاك و بررسي در آنها و كشف اسرار و رموز و قوانين و قواعد حاكم بر آنها اين يك امر مذمومي باشد و اين هم خودش بعيد است و از آن طرف روايات داريم و همه اينها باعث دامنه دار شدن و پيچيده شدن اين بحث شود و وجود اين عقائد مذكوره در كنارش كه بحث شد. اين تاريخچه اي از ابعاد و زواياي موضوع در قديم و در جدي هم كه معلوم است كه علم چقدر در اين زمينه پيشرفت كرده است.

# عناوین مورد بحث

مقام اول در اصل ورود در بحث و دانش نجوم و تنجيم است. مقام دوم تعلم و تعليمش است. مقام سوم تكسب به اين امر است.

# عنوان اول: اصل ورود در علم نجوم

اما مقام اول كه حكم اصل خود تنجيم و پرداختن و ورود در اين موضوع است با انگيزه هاي مختلفي كه بوده و تأثيراتي كه در زندگي ما دارند اصل توجه به نجوم در مقام اول بحث مي شود. مقام اول در دو بخش و دو جهت بحث مي شود:

يك جهت حكم اولي و مطابق قواعد عامه اين تنجيم است.

جهت دوم حكم اين امر به مقتضاي روايات خاصه اي كه در موضوع است.

## حکم تنجیم طبق قواعد عام

در بحث اول كه حكم طبق قواعد ابتداءاً وارد مي شويم و پس از آن به بحث دوم كه مقتضاي روايات خاصه است. علتش اين است كه ببينيم قواعد فقهي در اين بحث چه چيزي را اقتضاء مي كند؟ و آنگاه وارد روايات مي شويم و ببينيم روايات خاصه با قواعد اوليه منافات دارد يا ندارد؟

# موضوعات علم نجوم

در اين بحث اول چند موضوع است كه بايد طبق قواعد به آن توجه كنيم كه قواعد چه چيزي را اقتضاء مي كند.

## الف. شناخت « پديده هاي آسماني »

اولين موضوع اين است كه خود ورود در بحث شناخت اجرام سماويه و تأثير و تأثرات آنها مطابق ضوابط علمي كه با روش هاي علم متعارف وجود دارد كه قديم با اسطرلاب و.. بوده و امروز با تلسكوپ ها و ابزارهاي پيشرفته اي كه وجود دارد كه خودش انواع روش هاي تحقيقيه است. اصل شناخت اين پديده ها و هم روابط حاكم بين اينها و روابط اينها با كره ما دارد آن هم با روش هاي متعارف و شناخته شده علمي كه احياناً اين شناخت مورد بهره برداري هاي مختلف مي شود. ستاره شناسي و بهره گيري هايي كه بر اساس اين فرمولها و قواعد علمي وجود دارد در هر زماني بر اساس پيشرفت علم آن منطقه است.

### استحباب شناخت علوم

اصلاً بحث اين نيست كه اين نفس دارد و تأثيرات غيبي غير متعارف دارد و با آن مي خواهيم پيش گويي كنيم و فقط بحث شناخت اينهاست مثل پزشكي و شيمي و.. كيهان شناسي و ستاره شناسي و در همين چهارچوب ها و ضوابط علمي و بهره برداري در همان ضوابط علمي متعارف است و اصلاً ورود در امور غير متعارف نيست. و ما در اينجا از نظر قواعد هيچ منعي نداريم و قواعد و اطلاقات مي گويد همه علوم مستحسن هستند و در فقه التربيه به اين نتيجه رسيديم كه بررسي همه علوم و دانشها اصل اين است كه يك استحباب دارند الا ما خرج، شناخت عالم وهستي با اين ابزارها مستحب است به خصوص اين كه در مسير شناخت آيات الهي باشد يا گره گشايي براي مردم داشته باشد و رفاه و آرامشي براي ديگران بياورد. اين علم تنجيم هم مثل ساير علوم است به خصوص اگر براي پي بردن به عظمت و قدرت خدا باشد و اگر بخواهد بهره اي برده شود براي خدمت به ديگران استفاده شود. قواعد و عمومات و اطلاقات اين را اقتضاء مي كند و مي گويد اين هم مثل ساير علوم است.

اين يك بحث ممتاز و ويژه اي مي خواهد و همه جوانبش را نمي توانيم الآن بحث كنيم ولي اصل علم و دانش بشر استحبابش اين است كه در خدمت بشر باشد و اما اين كه واجب است و كتمانش حرام است و در علوم ديني، كتمانش اگر علم ديني نياز باشد حرام است ولي در اينجاها اگر نياز مبرم و موجب نجات باشد كتمانش حرام است و در عناوين اوليه اقتضاء مي كند كه به اين صورت باشد و اقتضائات ديگر ممكن است صور ديگري داشته باشد.

### نجوم در قرآن

علاوه بر اقتضائات قواعد كلي در اين موضوع به طور خاص هم مي توانيم بگوئيم كه در خصوص نجوم و.. به طور خاص آياتي هم اشاره خاصي به اين موضوع نجوم و ستاره شناسي دارند و اين كه ترغيب كرده است اولاً اين ترغيب هايي كه در قرآن به شناخت طبيعت و اينها آمده است و اطلاقات آن را مي گيرد و به طور خاص وقتي مي گويد و **اذا السماء كيف رفعت**، به آسمان كه مي گويد همه اينها را مي گيرد همه اجرام و كرات را دربرمي گيرد، يا آياتي از اين قبيل داريم كه ما را ارجاع به شناخت پديده هاي آسماني داده است به عنوان آيات الهي و اين يك مقدار خواستن هم در اين موضوع منطبق بر بحث نجوم و هيأت و ستاره شناسي است وثانیاً علاوه بر اين كه يك دسته آيات كه ارجاع به پديده هاي آسماني مي دهد و يا پديده هاي خاص آسماني مي دهد قاعده مي گويد براي شناخت اينها بايد كار علمي كرد و رفت و معلوم مي شود كه مانعي ندارد بلكه ترغيب دارد و به طور خاص براي بهره گيري از اين نگاه به آسمان در زندگي باز هم در آيات ما داريم كه و علامت.... در سوره نحل است بالنجم هم يهتدون، اهتداء از نجوم و راهيابي به واسطه نجوم در بيابانها و.. كه خودش يك فني است و بايد در شناخت توجه كرد و اينها ترغيب كرده است و اين بهره برداري را ترغيب كرده است يا در آيه سوره انعام است كه لتهدوا بها في ظلمات البحر و البحر، مي گويد ما نجوم را براي شما قرار داديم براي اين كه اهتداء پيدا كنيد و راه بيابيد با نجوم در ظلمات برّ و بحر و آيات ديگر.

## جمع بندی

بنابراين مطابق قواعد، شناخت موضوع اول اين بود، شناخت و پيگيري كشف قوانين حاكم در اجرام سماويه و افلاك و كرات في حدّ نفسه مستحب است و براي شناخت آيات الهي ترغيب به آن شده است هم به طور عام و هم به طور خاص و بهره گيري از اينها در زندگي يكي از بهره گيري هاي مهمش راهيابي است كه كشتي ها الان استفاده مي كنند توجه داده شده است به طور خاص به اين مطلب. هم به طور خاص و هم آيات في حد نفسه براي اهتداء و پي بردن به عظمت خدا هر سه محورش است و بهره گيري هاي ديگري كه مي شود تجويز شده است مثلاً در بحث قبله گفته شده است با اينها قبله را تشخيص مي دهيم و فصول سال و ماه و.. .

در اينجا ملاحظه كرديد هم اطلاقات داريم و هم در خاص نجوم، **علامات و بالنجم هم يهتدون يا لتهدوا بها في ظلمات البرّ و البحر** طوري نيست كه اطلاق آن طوري نيست كه بگوييم تخصيص خورده است و موقع تعارض روايات به اينها بازگشت مي كنيم و در اين موضوع كار علمي متعارف كه در هر علم ديگري هم است.

## ب. یادگیری علوم غريبه

موضوع دوم كه بخواهد وارد علم نجوم شود براي چيزهايي كه به عنوان علوم غريبه بخواهد وارد آن شود يعني در نظر در نجوم و.. بخواهد مرگ افراد و زندگيشان و مرگشان و احوال شخصيه آنها و احوال عمومي اجتماع از نظر اين كه زلزله، قحطي و.. مي آيد كه روابط طبيعي و وسايل متعارفي كه در چهارچوب آن باشد قرار نمي گيرد و فوق چهارچوب هاي علم طبيعي است و اين موضوع دوم است كه طبق قواعد بايد ببينيم چطور است؟

### جواز تنجیم و پیشگویی

ورود در اين بحث هم مانعي ندارد اولاً احتمال بايد داد كه يك واقعيتي داشته باشد بلكه احياناً شواهدي هم دارد كه في الجمله حقي در مسأله است و اگر في الجمله حقي در مسأله باشد ورود در مسأله في حدّ نفسه جايز است و اگر هم واقعاً قواعدي داشته باشد كه فوق اين قواعد متعارف باشد بايد بگوييم ورود در اين محدوده جايز است بلكه بايد بگوييم خوب هم است بخاطر اين كه مي گوييم اين هم دو صورت دارد:

### الف. تجنجیم به عنوان علم

واقعيتي دارد و ضوابطي دارد و يك علمي است منتهي علم طبيعي و باصطلاح ساينس نيست و علم طبيعي و مبتني بر تجارب نيست علم غريبه و غير طبيعي است اگر علم باشد في الجمله حقي در او باشد ورود در اين علم مثل ساير علوم است و اعلام نتايجش هم مانعي ندارد.

### ب. تنجیم به عنوان ظنیات

منتهي در حدي كه به آن رسيده است يعني اگر نتيجه قطعي است مي تواند قطعي اعلام كند و اگر ظني است مي تواند به همان صورت اعلام كند اگر بيايد وارد علم شده و يك چيزي كه تخميني و ظني است مثل اين كه در همه علوم ظنيات است بخواهد آن را به عنوان قطعي اعلام كند، اشتباه است. چون دروغ است و الا اخبار و خبردادن از دستاوردهاي علمي اشكالي ندارد. منتهي محدوده اين علم را از زاويه قطع و يقين و ظن و تخمين بيان كند.

# جمع بندی

پس موضوع اول اين بود كه به اين علم پرداختن براي شناخت آيات و عظمت الهي و احياناً نتايجش را در اختيار ديگران قرار دادن بود كه طبق قواعد عامه و آيات و روايات خاصه گفتيم كه مي شود وارد شد و جايز است و موضوع دوم اين است كه وارد شدن در نجوم از نگاه علوم غير طبيعي و علوم غريبه و شناخت آنها نه با روش طبيعي بود، شناخت اينها از منظر علوم غريبه و يك چيزي كه فوق طبيعي است و مي خواهد بشناسد و نتايجش را اعلام كند و احياناً بخواهد ترتيب اثري بدهد و اين هم گفتيم اگر علمي باشد مثل ساير علوم جايز است ولو اين كه آيات و.. بعيد است اطلاقات اينها را هم شامل شود و اعلام نتايجش را اگر دروغ نگويد و به همان اندازه كه به آن رسيده است مانعي ندارد.

فرض دومش اين است كه علم نباشد و تخيلاتي باشد و موهوماتي است ولي بهرحال موهوماتي است كه گاهي جواب مي دهد البته بيشتر ظاهر روايات اين است كه في الجمله حقي در اينها است و نمي توان بيشتر اعتماد كرد چون خيلي پيچيده است و اگر هم موهوم است و چيزي در آن نيست پرداختن به اين قسم هم عبث است و مطلق عبث و لغو را كسي قائل نيست حرام است و ورود در اينها مكروه است مگر اين كه عناويني ثانويه بر آن مترتب باشد و اعلام آن نتايج امر موهوم اگر به عنوان يك امر واقعي باشد دروغ و كذب است بله اگر اعلام كندمن در اين عالم تخيلات به اين نتيجه رسيدم مانعي ندارد گرچه آن هم لغو و عبث است و كراهت شديده دارد و مواردش هم عناوين خاصي ممكن است پيدا كند ولي في حد نفسه كراهت دارد.

در اين زمينه البته آيه شريفه سوره صافات حضرت ابراهيم دارد **فنظر نظره في النجوم فقال اني سقيم**، بعضي از مفسرين مي گويند آن همان ستاره شناسي از باب علوم غريبه بوده كه در حقيقت با يك نگاهي در ستاره ها، پي برد كه مثلاً اين طوري است، **فقال اني سقيم..** كه در واقع مريضي خودشان را از طريق نگاه در ستاره ها و آيات قبلي پيش بيني كرده است... ملكوت در بعضي از انظار همين چهره طبيعي ناپيدا هم ملكوت است ولي بعضي از انظار را.. ولي في حد نفسه بيشتر ظاهر اين است كه في الجمله حقي است ولي لابالجمله و نظر در آنها حداقل حرام نيست طبق قواعد.

## نظر آقای اعرافی در باب یادگیری نجوم

معلوم مي شود اگر ما اين را علم بدانيم چه علم طبيعي چه فوق طبيعي جايز است بلكه مستحب است و اعلام به نتايجش جايز است بلكه مستحب است و فراتر گفتن از واقعيتي كه به آن رسيده است اشكال دارد.

## تفاوت علوم طبیعی و فلسفه

علوم طبيعي با مقولات اوليه و ماده سر و كار دارد ولي فلسفه با علت كار دارد ولي اين نسبت علوم عادي و غير عادي اين است كه در علوم عادي در حقيقت بين الاذهاني است و اين حالت هاي روحي در آن خيلي اثر ندارد و رياضت شخص و حالات شخص در علم غيرعادي مؤثر است.